

حقوق و تکالیف مردم و حاکمیت در زمان اعتراضات با تأکید بر نحوه ابراز

اعتراضات قانونی

نازنین زهرا بروغنی^۱

چکیده

شهروندی اساس رابطه‌ای سیاسی و معنوی است که فرد را به دولتی مرتبط می‌سازد و حقوق و تکالیف اساسی او در چارچوب این رابطه معنا می‌یابد. بر این اساس، شهروند در مقابل حقوقی که در برابر دولت دارد، هم‌زمان تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده او گذارده شده است. این مهم در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی، اجتماعی و حقوقی جوامع بشری شناخته شده و مورد تأکید بسیاری از حقوق‌دانان و سیاستمداران قرار گرفته است. بنابراین پر واضح است که در امتداد بحث از حق و حقوق شهروندان، در ابتدای امر باید مفاهیم اساسی چون تکلیف و تکالیف شهروندان که لازمه احقاق حقوق آنان است را مورد مذاقه قرار دهیم. بر این اساس، در پژوهش حاضر برآنیم با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به‌کارگیری ابزارهای کتابخانه‌ای، به پرسش اصلی پژوهش که محور موضوع این نوشتار است پاسخ دهیم که حقوق و تکالیف مردم و حاکمیت در زمان اعتراضات، چگونه باید باشد؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اعتراض، به مثابه نوعی پیکار سیاسی،

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی (اندیشه‌های سیاسی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

با حفظ مشروعیت نظام سیاسی و به عنوان مبارزه در حکومت و نه مبارزه با حکومت، با هدف ایجاد اصلاحات و در راستای همگونی و همگونگی باید صورت گیرد.
واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، تکالیف شهروندی، حفظ نظام، اعتراضات مدنی.



بیان مسئله

جایگاه و مفهوم شهروندی در علم حقوق مورد واکاوی قرار می‌گیرد و وجه مشترک تمامی تعاریف حقوقی درباره شهروند، دربرگیرنده رابطه میان فرد و حکومت است که اساس این رابطه دوسویه، در برگیرنده طیف وسیعی از حقوق و تکالیف است. بر این اساس، شهروند در مقابل حقوقی که در برابر دولت دارد، هم‌زمان تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده او گذارده شده و این مهم در دهه‌های اخیر، به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی، اجتماعی و حقوقی جوامع بشری تبدیل شده و توجه بسیاری از حقوق‌دانان و سیاستمداران را به خود معطوف کرده است. بنابراین پر واضح است که در امتداد بحث از حق و حقوق شهروندان، در ابتدای امر باید مفاهیم اساسی چون تکلیف و تکالیف شهروندان که لازمه احقاق حقوق مردم است را مورد واکاوی قرار دهیم.

شهروند و شهروندی، از جمله مفاهیمی است که در برگیرنده این نکته اساسی است که برقراری زندگی اجتماعی جز با رعایت و تکالیف و وظایف شهروندی امکان‌پذیر نیست، زیرا بر اساس کلام نورانی قرآن، اعتقاد ما بر این پایه استوار است که هیچ حقی بدون تکلیف در این عالم وجود ندارد، مگر برای خداوند باری تعالی. ضمن این‌که پیشوایان دینی ما نیز موضوع حقوق و تکالیف متقابل میان مردم و حکومت در نظام اسلامی را بسیار مورد تأکید قرار داده‌اند. به عنوان مثال، امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، حقوق و وظایف متقابل مردم و رهبری را این‌گونه بیان می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا. وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ.»

«ای مردم، برای من بر عهده شما و برای شما بر عهده من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی برای شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. اما حق من بر شما آن است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برای من خیرخواهی کنید و هرگاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و هرگاه به شما دستور و فرمانی دادم، از آن اطاعت کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)

بر این اساس می‌توان عنوان کرد که در تکلیف شهروندی، انسان به مثابه شهروند باید به تکالیفی عمل نماید که این تکالیف در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام عقل جمعی

و عمومی تجلی یافته و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی، نماینده مشروع و مقبول آن اجتماع است که نقشی محوری در ترسیم تکالیف شهروندی دارد. بنابراین، تکالیف شهروندی به تکالیفی اطلاق می‌شود که ناشی از قانون اساسی هر کشوری است و در نتیجه روابط شهروندی یا اقامت افراد در آن کشور بر آن‌ها تحمیل شده و واجد ضمانت اجرای قانونی قرار گرفته است. (محمدجواد جاوید، ۱۳۹۱: ۱۷)

بر این اساس، در پژوهش حاضر برآنیم تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با به‌کارگیری ابزارهای کتابخانه‌ای به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهیم که حقوق و تکالیف مردم و حاکمیت در زمان اعتراضات چگونه باید باشد؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اعتراض به مثابه نوعی پیکار سیاسی؛ با حفظ مشروعیت نظام سیاسی و به عنوان مبارزه در حکومت و نه مبارزه با حکومت، با هدف ایجاد اصلاحات و در راستای همگونی و همگونی باید صورت گیرد.

۱. امنیت

«امنیت»، عبارت است از: «رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند.» امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان در طول تاریخ با آن مواجه بوده است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به‌کار گرفته شده که به صلح، آزادی اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۴)

عناصر اصلی که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌شوند، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزش‌های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به رهیافت امنیت جمعی در میان کشورهای مستقل منجر می‌شوند. بر این اساس، می‌توان امنیت را از عناصر کلیدی توفیق هر حکومت برای نیل به اهداف ایدئولوژیک و نماد کارآمدی دانست.

واژه «امنیت» ابتدا در ادبیات سیاسی غرب بسیار متداول شد و سپس تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، سبب گردید این مفهوم کارایی بیشتری بیابد. برخی پژوهشگران بر این باورند که تأکید صرف بر مقوله «امنیت ملی»، کافی نیست. در مجموعه روابط بین‌الملل، مهم‌ترین نهادها کشورها هستند، اما دولت‌ها خود می‌توانند منشاء تهدید نسبت به موضوعات خود باشند که اغلب تحت عنوان «امنیت» توجیه می‌شوند، بنابراین، «امنیت» مفهومی است در معرض برداشت‌های مختلف. به دلیل آن‌که اصولاً سیاست‌سازان و نظریه‌پردازان سیاسی،



«امنیت» را با توجه قدرت ملی تعریف می‌کنند، نوعی وحدت نظر نامناسب رایج شده است. برخی محققان هم که بیشتر به مقوله امنیت پرداخته‌اند، اسیر بحث‌های مبتنی بر قدرت شده‌اند. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷)

در یکی از کامل‌ترین تلاش‌ها برای تحلیل این مفهوم، پژوهشگر امنیت را به عنوان یک نشان و نماد مبهم توصیف نموده و به وجود نیروهای بالقوه مبهم و استفاده سیاست‌مداران از آن اشاره کرده است. پس ابهام مفهومی می‌تواند پیامدهای سیاسی مهمی در پی داشته باشد؛ زیرا رجوع به ملزومات امنیت می‌تواند برای توجیه اقدامات استثنایی مورد استفاده قرار گیرد. طبق نظر وی، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله به ارزش‌ها را معین می‌نماید. این دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه‌ها که از یک سو به معنای ایمنی، استواری و نفوذناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس است. از این رو، تعریف واحد و مطلق از «امنیت» وجود ندارد و این واژه دارای یک مفهوم ذاتاً نسبی است. (همان: ۳۵۸)

۱-۱. امنیت در اسلام

امنیت از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی شناخته می‌شود و قرآن کریم آن را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و خلافت و جانشینی صالحان و طرح امامت می‌شمارد. بنابراین، پیوند ناگسستنی این اصطلاح با نفس کلمه اسلام، ایمان، و مؤمن حاکی از اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است. (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۵۲) البته صورت فارسی و عربی این کلمه به شکل‌های «امنیت» و «امنیه»، در متون اسلامی موجود نیست و این موضوع بیشتر با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد واژه «امن» به کار رفته است. در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق، حدود ۸۷۹ بار در قرآن استفاده شده است. خداوند در سوره قریش بر اهمیت و ارزش امنیت تأکید بسیار نموده و بر قریش منت می‌گذارد که ایشان را از نظر اقتصادی و جانی در امنیت قرار داده است. (قریش، آیه ۴)

از منظر قرآن، بهترین مکان‌ها جایی است که امنیت در آن حاکم باشد و مردم از نظر اقتصادی تأمین باشند. (قصص، آیه ۵۷) از همین رو، با توصیف مکه به عنوان شهر امن، (تین، آیه ۳) بر اهمیت امنیت تأکید می‌کند. همچنین خداوند شهر و جامعه نمونه را جامعه‌ای می‌داند که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان، آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع، به آرامش

و آسایش آنان بستگی دارد. (نحل، آیه ۱۱۲) همچنین خداوند در آیه ۱۰۸ سوره بقره، در تبیین ویژگی‌های شریعت اسلام، به این نکته توجه می‌دهد که اسلام مردم را به برقراری صلح و امنیت اجتماعی دعوت می‌کند و خود در ایجاد و گسترش آن تلاش دارد. این مسئله، بیانگر اهمیت و ارزش امنیت در فرهنگ اسلام است. همچنین از آن‌جا که امنیت پایدار، مهم‌ترین خواسته و نیاز انسان در کنار آسایش و رفاه پایدار است، خداوند در توصیف بهشت به این دو مهم اشاره کرده و می‌گوید که بهشت جایی است که در آن آرامش و آسایش پایدار برای مؤمنان تأمین است و آنان هیچ ترس و اندوهی نسبت به این امور ندارند. (زمر، آیه ۷۳)

البته این بدان معنا نیست که اسلام خواهان آرامش و آسایش پایدار روی زمین نیست، بلکه اسلام بر آن است تا در چارچوب کتاب و قانون، چنین امری را فراهم آورد و جامعه‌ای نمونه و ایده‌آل در زمین ایجاد کند که در آن آرامش و آسایش به نسبت پایدار فراهم باشد. (نور، آیه ۵۵)

بنابراین، بر اساس آموزه‌های اسلامی، فقدان امنیت، بدترین کمبودها در زندگی بشر است و انسان باید برای تأمین آن تلاش کند و عوامل آشکار و نهان آن را شناسایی و در جستجوی تحقق آن به این عوامل تمسک نماید. از این رو، فقدان امنیت و عدم تلاش شخص یا جامعه برای تأمین آن، مورد نکوهش قرار گرفته است.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «در گفتار بی‌کردار، و دیدن بی‌آزمودن...، زندگی بدون سلامت و وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری نیست.» (بحارالانوار: ج ۴، ص ۳۶۹) پس در جامعه‌ای که امنیت نیست، هیچ خیری نیست، بلکه باید آن را بدترین سرزمین‌ها و جوامع بشری دانست. چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ. بدترین شهرها، شهری است که در آن، امنیت و فراوانی نباشد.» (غررالحکم: ج ۴، ص ۱۶۵، ح ۵۶۸۴)

همچنین خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره مائده بر ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فسادانگیزان، خواهان تأمین امنیت و حفظ و صیانت از آن است. این مهم‌ترین گواه بر ارزش و اهمیتی است که امنیت در تفکر اسلامی دارد، زیرا فرمان جهاد برای تأمین امنیت و حفظ آن می‌دهد. چنانکه گذشت، از نظر اسلام ضروری است تا برای ایجاد و حفظ و صیانت از امنیت، با افراد و گروه‌ها یا جوامع ضد امنیت مبارزه کرد و آنان را حذف یا جای خود نشانده. (مائده، آیه ۳۳) به هر حال با توجه به اهمیت امنیت در اسلام که در آیات و روایات به وضوح می‌توان ملاحظه کرد، بر دولت و نهادهای



مربوطه است تا به اشکال گوناگون از امنیت افراد جامعه و حتی جوامع دیگر دفاع و صیانت کرده و نسبت به تأمین آن اقدام نمایند.

۱-۱-۱. حفظ نظام

نظام در لغت از نظم گرفته شده است. نظم در لغت به معنای تألیف، مرتب کردن، سر و سامان دادن، به رشته درآوردن و سرودن شعر آمده است. (جعفرپیشه: ۱۳۱۹، ۶۳) عبارت «حفظ نظام»، راز عناوین ثانویه مشهور در متون فقهی است و منظور از آن توجه به اموری است که بقای جامعه وابسته به آن است. حفظ نام اسلامی در دو حوزه، قابل بحث و بررسی است. نخست حفظ نظام و جلوگیری از آسیب به آن توسط دشمنان و در معنای دیگر، ایجاد نظم در جامعه و سامان دادن سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و جلوگیری از اغتشاش و هرج مرج. از منظر فقهی، حفظ نظام اسلامی به هر دو معنا، نه تنها واجب شرعی، بلکه «واجب عقلی و شرعی» است. (کلانتری، ۱۳۷۶: ۲۲۰ و ۲۲۱)

حفظ نظام اسلامی، مقدمه‌ای برای حفظ شریعت است. (صابریان، ۱۳۸۶: ۱۲۳) در روایتی از پیامبر گرامی اسلام در مورد لزوم فرمانبرداری از ولی امری که به نصب الهی به این سمت، منصوب شده، از حاکم اسلامی با عنوان «نظام الاسلام» یاد شده است: «سخن کسی که خداوند او را امارت داده است، بشنوید و از او فرمان برید که همانا او نظام اسلام است.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۳، ص ۱۴)

حفظ نظام اسلامی، از اهم واجبات دینی و یکی از اساسی‌ترین موضوعات فقه سیاسی است و اگر زمانی به خاطر موضوعی، میان حفظ نظام اسلامی با حفظ برخی احکام اسلامی، نیازمند به انتخاب یکی باشیم، مسلماً حفظ نظام اسلامی مقدم است. در اندیشه امام خمینی (ره)، حفظ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در رأس همه واجبات قرار دارد و همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی، مکلف به حفظ نظام جمهوری اسلامی هستند. مقام معظم رهبری نیز با تأسی به اندیشه امام راحل، حفظ موجودیت انقلاب که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته را اولین وظیفه مردم و مسئولان دانسته و دفاع از نظام اسلامی را اولین و مقدس‌ترین فرایض ملت ایران ذکر می‌کنند. همچنین امام خمینی (ره) در مورد اهمیت حفظ نظام اسلام و جایگاه آن نسبت به سایر فرایض می‌گوید: «حفظ اسلام، یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام، بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه

روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.» (امام خمینی، ج ۱۵، ص ۳۲۹)

۲. حقوق شهروندی

امروزه بسیاری از افراد در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند و مسلم و واضح است که در فضای زندگی شهری، رفع نیازها از طریق تعاملات متقابل افراد با یکدیگر صورت می‌پذیرد؛ لذا آنچه در روند این نوع زندگی ضروری به نظر می‌رسد، قاعده‌مند ساختن روابط افراد در جامعه شهری به جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی‌ثباتی در جامعه است.

بنابراین شهروند خوب کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد، از آن‌ها دفاع می‌کند، قوانین حاکم بر کشور را می‌شناسد، به آن‌ها عمل و از طریق آن مطالبه‌گری می‌کند. او می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او، به معنای دفاع از حقوق خودش است. بدین ترتیب، رعایت حقوق شهروندی بر اساس مشارکت در امور کشور، مهار فردگرایی و منفعت‌طلبی و توجه به رواج اخلاق جمعی است. بنابراین باید بسترهایی فراهم آید که شهروندان برای دفاع از حقوق شهروندی خود، از آن حقوق آگاهی داشته باشند و برای رسیدن به آن پافشاری کنند تا دولت چه در معنی قوه مجریه و چه در معنی حاکمیت، ناچار به تمکین و برآوردن توقعات شهروندان شود، ولی اگر شهروندان در حفظ حقوق شهروندی خود و کسب آگاهی درباره این حقوق کوتاهی کنند، دولت هم در این زمینه دچار قصور و تقصیر می‌شود. بنابراین، نقش شهروندان در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی، یک امر ضروری است. بر این اساس، می‌توان به این مهم صحه گذاشت که با توجه به این‌که حقوق شهروندی از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه در حوزه سیاست همواره به آن توجه می‌شود و در کشور ایران به دلیل عمق فرهنگ سرزمینی و آموزه‌های دین مبین اسلام که بر حفظ و تقویت کرامت انسانی تأکید دارد، حقوق بشر و به‌خصوص حقوق شهروندی دارای جایگاه ویژه‌ای است. در نظام حقوقی ایران نیز به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، هم در منظر قانون اساسی و هم در قوانین عادی، توجه ویژه‌ای به این موضوع شده است، به نحوی که حقوق شهروندی، اصول متعددی از قانون اساسی را به خود اختصاص داده و از سوی دیگر، در قوانین عادی نیز جایگاه منحصر به فردی را دارا می‌باشد.

مسئولان و قانون‌نویسان جمهوری اسلامی با استناد به کتاب و سنت و با درج قوانین مبتنی بر کتاب و سنت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندی را بر پایه اصل احترام و ارزش به کرامت والای انسانی، در «چهل اصل» مورد توجه قرار داده‌اند. برخی قوانینی که قانون اساسی به صورت صریح و تلویحی در اهمیت حقوق شهروندی به آن پرداخته، به شرح زیر است:



بند ۳ اصل ۳: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

بند ۷ اصل ۳: تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

بند ۸ اصل ۳: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

بند ۱۴ اصل ۳: تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه، تساوی عمومی در برابر قانون.

اصل ۱۵: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است، اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب رسمی باید به این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی مطبوعات و در رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها امتیاز نخواهند بود.

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۳: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. بنابراین، توجه به اهمیت حقوق شهروندی و آموزش آن به شهروندان جهت ایجاد امنیت اجتماعی و قانون‌مداری بیشتر شهروندان، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۱-۲. جایگاه حقوق شهروندی در ایران

نزدیکی انسان به خدا و اعتقاد به کرامت و ارزش والای او، به موضوع حقوق بشر در نظام اسلامی، موقعیت برجسته و ممتازی بخشیده است. از آن‌جا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است، بر حمایت جدی از حقوق بشر اصرار ورزیده و رعایت آن را در زمره مهم‌ترین واجبات به‌شمار آورده است.

حقوق شهروندی یکی از مباحث محوری حقوق معاصر است که برخی پژوهشگران، پیشینه آن را در اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر ردیابی می‌کنند و معتقدند برای تتبع در چیستی حقوق

شهروندی، باید این مفهوم را در ادبیات حقوقی کشورهایی که داعیه رسیدن به بلوغ دموکراتیک را دارند، کندوکاو نمود، اما مفاهیم حقوق شهروندی در معنای عام خود، شاید از زمانی که انسان از شکل ابتدایی زندگی بیرون آمد، همواره مورد توجه بوده است. حقوق شهروندی، حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشوری خاص، به آن‌ها اعطا شده و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است. حقوق شهروندی، مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن، تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، به رابطه بین شخص و حکومت نیز اطلاق می‌شود، به نحوی که شخص به واسطه اثبات وفاداری نسبت به حکومت، متقابلاً مستحق حمایت حکومت می‌باشد. در مقام تمثیل، حقوق شهروندی به مثابه درختی است که ریشه آن را منابع (خدا، طبیعت و قوانین طبیعت) تشکیل می‌دهند؛ تنه و شاخه‌های آن مبانی حقوق بشری (حقوق طبیعی، حقوق بنیادین و حقوق اساسی) است و در نهایت میوه و ثمره آن، مواد این حقوق (قوانین شرعی و موضوعه، قوانین اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها) هستند. با نگاهی به نظام اجتماعی ایران از دوره باستان تا دوره معاصر، مشاهده می‌شود که دو مؤلفه و عنصر اساسی شامل هویت دینی و هویت ایرانی، شکل دهنده ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هستند، به گونه‌ای که در تمام دوره‌ها، مردم و حاکمیت سیاسی خود را متعهد به عمل و رفتار در چارچوب این دو هویت دانسته‌اند.

همچنین قانون‌گذار ایران جهت حفظ حقوق شهروندان و به منظور پیش‌گیری از سوءاستفاده از خلاء قانونی و حفظ حقوق شهروندان از جهات مختلف، «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» را طی ماده واحده‌ای در تاریخ ۸۳/۲/۱۵ به تصویب رساند. در این قانون، اقدامات غیرانسانی از جمله ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا و تحقیر و توهین به آنان هنگام دستگیری و بازجویی یا استنطاق و تحقیق (بند ۶)، پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم هنگام بازجویی و بردن آنان به اماکن نامعلوم (بند ۷) و هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر (بند ۸)، ممنوع و قابل مجازات اعلام شده و اقرارهای اخذ شده از طریق شکنجه و اجبار، فاقد حجیت شرعی و قانونی خواهد بود. (بند ۹) (صادقی، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۴) البته این قانون تا سال ۱۳۹۲ فاقد ضمانت اجرا بود، اما تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و طبق ماده ۱۷، به این قانون ضمانت اجرا داد.



این قانون بیانگر نگرش جدید قانون‌گذار به حقوق شهروندان بوده و از این حیث قابل قدردانی است. در این قانون، علاوه بر پیش‌بینی‌های گفته‌شده، با تأکید بر اصل برائت، بر مراعات قانون در کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرار تأمین صدور حکم و دستور قضایی تأکید شده و اعمال هرگونه خشونت مورد نهی شدید قانون‌گذار قرار گرفته است. (بند ۱ و ۲) در ضمن بر حقوق متهمان از جهات مختلف تأکید جدی شده است. (بند ۲ ماده) البته این قانون دارای چند اشکال است. اشکال اساسی این قانون، عدم هرگونه ضمانت اجرا در آن می‌باشد، به‌گونه‌ای که در این ماده واحده که پانزده امر مهم را جهت حفظ آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی پیش‌بینی کرده، هیچ‌گونه مجازات خاصی برای عدول از آن‌ها پیش‌بینی نشده و از این حیث، این توصیه‌ها بیش از آن‌که توصیه‌های قانونی باشند، به توصیه‌های اخلاقی شباهت دارند و در نتیجه این ویژگی، آن‌ها را از محدوده اوامر قانونی خارج کرده و به صورت یک سری قواعد اخلاقی قرار می‌دهد. (شمس‌ناتری، ۱۳۸۴: ۹۵)

به‌هرحال، ماده واحده فوق‌الذکر، گرچه برای پر کردن خلاء قانونی و جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان رفتارهایی را منع کرده، لیکن ضمانت اجرایی مبهم و غیرکاربردی و نهایتاً اموری اخلاقی و نه حقوقی را به تصویب رسانده که در نوع خود کم‌سابقه بوده و در نتیجه هیچ‌گونه ضمانت اجرایی مطمئن و ارزشمندی را پیش‌بینی نکرده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به حقوق شهروندی، از جایگاه قابل توجهی برخوردار است، چرا که در کنار منابع فراملی پذیرفته شده و مبانی فکری و منابع ملی قوی و دارای سابقه تاریخی، رعایت حقوق شهروندی را در جامعه ایرانی تضمین می‌نماید. مهم‌ترین سند تضمین‌کننده حقوق شهروندی، قانون اساسی است. این قانون به قدری بر مقوله حقوق شهروندی در ابعاد مختلف آن تأکید نموده که به جرأت می‌توان این سند را مادر حقوق شهروندی در جامعه ایرانی نامید. (موسوی، ۱۳۹۴: ۶)

۱-۱-۲. حق اعتراض در ایران

واژه اعتراض در ادبیات حقوق شهروندی به معنای «آزادی بیان» است. یعنی این‌که شهروندان بتوانند درباره اداره مسائل کشور و نحوه اداره امور در سطح ملی و محلی، نظر خود را بیان کنند. اعتراض‌ها در واقع همان بحث آزادی بیان افراد برای اظهار نظر درباره مسائل مختلف کشور، آن‌هم به صورت فردی یا گروهی در قالب اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها است. (هم‌شهری، ۱۳۹۸)

در ایران با توجه به حاکمیت اسلام و رویکرد مثبتی که اسلام نسبت به جایگاه مردم در عرصه سیاسی دارد، نمی‌توان حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان را نادیده انگاشت؛ زیرا علاوه بر اقتضای ویژگی مردم‌سالاری، فقه سیاسی اسلام نیز - که تعیین‌کننده اصول، مبانی و چارچوب‌های روابط دولت و ملت است - در زمینه شناسایی حقوق و آزادی‌های مردم، موضع شفاف و صریحی دارد. بر این اساس، انتقاد و اعتراض، از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم و از منظر دینی، تکلیف مؤمنان به منظور اصلاح و بهبود یافتن امور حکومت به شمار می‌رود که بر اساس مبانی منطقی و عقلانی، استوار بوده و از منظر دینی، توجیه‌پذیر است.

نکته مهم در این رابطه، آن است که انتقاد و اعتراض، به مثابه نوعی پیکار سیاسی با حفظ مشروعیت نظام سیاسی و به عنوان مبارزه در حکومت و نه مبارزه با حکومت، با هدف ایجاد اصلاحات و در راستای همگونی و همگونگی، صورت می‌گیرد. از این جهت، لازم است در طرح انتقاد و اعتراض، شیوه‌های متفاوت و گونه‌های مختلف آن مدنظر قرار گیرد که با توجه به هدف اصلی، می‌بایست بر اساس مراحل مختلف و به صورت تدریجی انجام پذیرد. یکی از کارویژه‌های مهم انتقاد و اعتراض در نظام‌های مردم‌سالار، میدان دادن به مردم و زمینه‌سازی برای مشارکت وسیع و ارج نهادن به دیدگاه‌ها و نظرات آنان در عرصه‌های گوناگون تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است و این خود، عامل مهمی برای محور زمینه‌های گرایش به استبداد و خودکامگی به حساب می‌آید.

به بیان دیگر، حدود ایجابی یا مثبت انتقاد و اعتراض، برآورده شدن خواست منتقدان و معترضان و تحقق اصلاحات لازم، در هر سطحی است، اما حدود منفی یا سلبی آن را عدول از قواعد و اصول مبارزه در حکومت و انحراف از مسیر اصلاحی تعیین می‌نماید. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵)

در اصل ۲۷ قانون اساسی به صراحت پیش‌بینی شده که تشکیل اجتماعات بدون حمل سلاح به شرط آن‌که مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد است.

در قالب دیگری نیز قانون اساسی این موضوع را در اصل هشتم پذیرفته که در جمهوری اسلامی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی است. دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، وظایفی دارند. بر اساس ماده ۴۶ منشور حقوق شهروندی، «حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون، نسبت به تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها و شرکت در آن‌ها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.» (میرمحمدی، ۱۳۹۶)



البته اعتراضات مدنی باید آرام و بدون خشونت باشد و حاکمیت هم باید از این چنین اعتراضاتی استقبال کند، اما اگر تحت پوشش این اعتراضات، کسانی بخواهند سوءاستفاده کرده و اموال عمومی را تخریب کنند و منجر به کشته شدن تعدادی افراد شوند، طبیعی است که این اعتراض‌ها از قالب اعتراض مدنی خارج و به آشوب‌های خیابانی تبدیل می‌شود. بر این اساس، تعرض و خشونت، اهمیت اعتراض را از بین می‌برد، سرمایه‌های ملی را تضییع می‌کند و به طور حتم، به نتیجه نمی‌رسد، (قرائی مقدم، ۱۳۹۸) زیرا تاریخ گواه آن است که هر یک از اعتراضات موثر و نتیجه‌بخش به صورت مسالمت‌آمیز برگزار شده است.

۳. تکالیف حکومت در قبال معترضان در ایران

به نظر می‌رسد جهان شاهد فصل جدیدی به نام اعتراض است و ما در کشورهای مختلف شاهد اعتراضات مردمی هستیم. به صورت کلی اعتراض در یک جامعه نشانه چیست و دولت‌ها باید نسبت به چنین اعتراضاتی چه واکنشی داشته باشند؟

اعتراض نشانه نارضایتی از وضع موجود است که ممکن است نسبت به یک موضوع خاص یا مجموعه‌ای از شرایط و وضعیت جامعه باشد. در نتیجه هر زمان که مردم احساس کنند از شرایط موجود یا از تصمیمی که دولت و حکومت گرفته ناراضی هستند و آن را به ضرر خودشان بدانند و این که از راه‌های قانونی مستقر برای تصمیم‌گیری هم امکان اعمال نظراتشان را کم ببینند، معمولاً اقدام به اعتراضات خیابانی می‌کنند. حکومت‌ها از یک طرف باید اعتراضات مسالمت‌آمیز را بپذیرند، زیرا اعتراض حق مردم است، یعنی مردم حق دارند با روش‌های مسالمت‌آمیز که قانون پیش‌بینی کرده، نسبت به تصمیمات حکومت، دولت، مجلس یا هر نهاد دیگری، موردی یا به صورت کلی تر، اعتراضشان را ابراز کنند. (سراج‌زاده، ۱۳۹۸)

بنابراین باید بین دو موضوع اعتراض و اغتشاش، تفکیک قائل شد. با توجه به تفاوت اعتراض و اغتشاش، با دستورالعمل‌های متفاوتی بر اساس مبانی نظری دولت مواجه هستیم. نخست، منشور حقوق شهروندی و دیگر اصول امنیت ملی که در قانون اساسی تعریف شده است. اعتراض با توجه به منشور حقوق شهروندی، حق شناخته‌شده‌ای است و شهروندان می‌توانند با توجه به حقی که برای رساندن صدا و پیام خود به مسئولان دارند، در چارچوب ضوابط قانونی عمل کنند.

اما در ارتباط با اغتشاش، باید عنوان کرد آنچه مخل امنیت ملی شود و به منافع شخصی و عمومی آسیب بزند، از منظر قانون جرم است و کسانی که مرتکب آن بشوند، در پیشگاه ملت و قانون محکوم

بنابراین باید به این مهم تأکید داشت که رسیدن به شرایط امن در گرو جلوگیری از بروز و ظهور چالش‌های امنیتی است. اغتشاش و شورش به عنوان نشانه‌هایی از وجود ناراضیاتی، یکی از چالش‌های امنیتی هر نظامی محسوب می‌شود. بدیهی است کشورها ابتدا باید مانع وقوع شورش‌ها شوند و در مرحله بعد، توان مقابله با آن‌ها را داشته باشند.

جمهوری اسلامی ایران که نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و بین مردم و نظام، پیوندی ناگسستنی وجود دارد، بیشترین تلاش خود را معطوف به جلوگیری از شکل‌گیری اغتشاشات کرده است، ولی آینده‌نگری از یک سو و تلاش‌های توطئه‌گرایانه بیگانگان و منافقان از سوی دیگر، حکم می‌کند که با استفاده از ظرفیت‌های موجود، آمادگی‌های لازم را برای مقابله با شرایط بروز احتمالی شورش نیز به دست آورد. (عسگری، ۱۳۸۸: ۸۱)

در بروز بحران‌های اجتماعی (اعتصاب، تظاهرات اعتراض‌آمیز و...) که یکی از مظاهر و نمودهای برهم‌زننده امنیت و نظم اجتماعی است، سه مرحله را باید از هم تفکیک داد: ۱) مرحله پیش‌گیری از وقوع بحران. ۲) مرحله کنترل و مدیریت بحران با روش‌های مسالمت‌آمیز. ۳) مرحله کنترل بحران با روش‌های قهری. هر سه این مراحل، عمدتاً با هدف جلوگیری و بازگرداندن نظم و نسخ قبلی به شرایط فعلی اعمال می‌شوند که البته شرایط اعمال متفاوت و به تبع آن نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند. اساساً، عمده نظرات آسیب‌شناسانه، بر قدرت یک جامعه در پیش‌گیری از وقوع بحران تأکید دارند؛ مسئله‌ای که جز با طراحی سیستم‌های انطباق‌پذیر و منعطف، امکان حضور ندارند. پس از این مرحله، مدیریت بحران به شیوه‌های مسالمت‌آمیز است که قادر خواهند بود با کمترین میزان از اتلاف منابع انسانی، مالی و...، بر بحران غلبه کرده و بر آن فائق آیند.

آخرین شیوه که در بسیاری از موارد به دلیل ضعف یک دستگاه قدرت در اعمال مورد اول و دوم شکل گرفته، برخورد قهری و پرهزینه است. برخوردی که در نهایت و علاوه بر هزینه‌های فردی، هزینه‌هایی را بر جامعه اعمال می‌کند. به عنوان مثال، تصور کنید فراهم آوردن فضایی برای یک راه‌پیمایی معترضان، یکی از ساده‌ترین اقدامات پیش‌گیرانه حکومت‌ها در مواجهه با اعتراضات مردمی (نسبت به موضوعی خاص، مثلاً آسیب‌های زیست‌محیطی) است و زمانی که همین حرکت با مقابله حکومت (از دستگیری و بازداشت تا پرتاب گاز اشک‌آور گرفته و در بدترین شکل با شلیک گلوله به معترضان) همراه گردد، تبدیل به بدترین نوع مقابله یعنی مواجهه قهری حکومت خواهد شد. در یک نگاه، شاید برخورد



قهری، ساده‌ترین نوع مواجهه حکومتی با معترضان باشد، اما در عین حال، پرهزینه‌ترین آن‌ها نیز هست. در حقیقت قدرت و توانایی حکومت‌ها، ارتباط مستقیمی با نوع مواجهه و هزینه‌های پیشینی که آنان در این باره می‌کنند، دارد. (ایرنا، ۱۳۹۸) تبدیل اغتشاش‌ها به اعتراضات مدنی و اعتراض‌ها به انتقاد، اقدامی است که دولت می‌تواند برای مدیریت شرایط بحرانی کشور انجام دهد.

۴. واکاوی چگونگی شکل‌گیری اعتراضات قانونی

مردم با تأکید بر قانون اساسی و همچنین طبق منطق، حق دارند اعتراض و نقد خودشان را به همه مسئولان بیان کنند و نمی‌شود هر اعتراضی را به آشوب و اغتشاش پیوند داد. باید تأکید کرد که مردم در بیان انتقادات و حتی اعتراض خود کاملاً آزاد هستند و دستگاه‌های مسئول کشور باید زمینه را برای انتقاد و اعتراض قانونی مردم، حتی راه‌پیمایی و اجتماع قانون‌مند آن‌ها فراهم کنند و این حق مردم است؛ اما در عین حال، نباید بگذاریم فضایی ایجاد شود که در آن فضا، مردم نگرانی و رعب و وحشتی برای زندگی و امنیت‌شان، ایجاد شود.

با تأکید بر قانون اساسی، می‌توان به این مهم رسید که اصل ۲۷ و همچنین ماده‌ها و تبصره‌های دیگری که مرتبط با بحث اعتراضات مدنی و حقوق شهروندی هستند، به روشنی نشان می‌دهد که مشکلات در این زمینه، نه در خلاء قانون، بلکه در نحوه اجرای آن است، زیرا اصل ۲۷ قانون اساسی هرگونه تجمع و راه‌پیمایی را با رعایت دو شرط که: «مخل مبانی اسلام نباشد و مسلحانه نباشد»، آزاد می‌داند.

همچنین اصل نهم قانون اساسی به وضوح بیان می‌دارد که: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران، کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب نیز مقرر داشته که: «برگزاری راه‌پیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور و بدون حمل سلاح، در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰، مخل مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.» در تبصره ماده ۳۰ آیین‌نامه قانون احزاب نیز آمده که این تقاضا باید یک هفته پیش از برگزاری تظاهرات یا تجمع، کتباً

و حضوری توسط نماینده رسمی به وزارت کشور تسلیم شود. طبق ماده ۳۲ همین آیین‌نامه (۱۲)، باید هنگام تسلیم تقاضا، موارد زیر با ارائه مدارک دقیق ذکر شود:

- _ موضوع راه‌پیمایی یا اجتماع و هدف از برگزاری آن،
- _ تاریخ برگزاری و ساعات آغاز و پایان آن،
- _ مسیر راه‌پیمایی و ابتدا و انتهای آن،
- _ محل سخنرانی و قرائت قطع‌نامه،
- _ مشخصات کامل مسئولین اجرایی و انتظامی مراسم با معرفی‌نامه کتبی از گروه،
- _ سخنرانی و موضوع سخنرانی،
- _ شعارهای راه‌پیمایی،
- _ یک نسخه از قطع‌نامه تهیه شده.

به‌رغم این صراحت، شفافیت و موضع مشخص که قانون اساسی در باب نوع مواجهه حکومت با مردم (و حتی نوع رفتار مردم با حکومت) و با وجود پیش‌بینی این مؤلفه‌ها در قانون اساسی، اما بستری برای اجرای آن شکل نگرفته است. بنابراین در صورت استفاده از ظرفیت‌های قانونی، می‌توان شاهد برگزاری تجمعات و راه‌پیمایی‌های مسالمت‌آمیزی بود که هدف آن چیزی جز رساندن صدای اعتراض مردم به مسئولان نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

از زمانی که شهرها به وجود آمدند و شهرنشینی در دایره المعارف واژگان مردم جهان وارد شد، شناسایی شاخصه‌ها و چارچوب‌های تکلیف و حقوق شهروندی، دغدغه تمام دولت‌مردان، سیاست‌مداران و حقوق‌دانان بوده است. آن چنان که طی دهه‌های اخیر، صاحب‌نظران بر این مهم تأکید نموده‌اند که صرف توجه و نگرش سنتی به حقوق شهروندی، باعث عدم شناخت از تمامی ابعاد و وظایف شهروندی می‌شود، زیرا این نگرش به صورت تک بعدی، اعضای جامعه را به عنوان صاحبان حقوق و آزادی‌ها مورد واکاوی قرار داده که با توجه به خلاء شناختی این نگرش، به تدریج در دهه‌های پایانی قرن بیستم این نگرش سنتی مورد انتقاد قرار گرفت، آن چنان که مفهوم شهروندی با یک تحول پارادایمی روبه‌رو شد و از شهروند ذی‌حق به شهروند مسئول تغییر و تحول یافت. در تعبیر اخیر، تکلیف شهروندی در کنار نوع‌دوستی، وظیفه‌شناسی با پشتوانه قانون، در کنار مفاهیمی چون مشارکت عمومی، اخلاق شهروندی، حفظ امنیت اجتماعی، دفاع از سرزمین و هویت ایران اسلامی و به‌طور کلی جزء جامعه بودن را باید از آثار رعایت تکالیف شهروندی دانست. بنابراین در یک نگاه گسترده می‌توان از تکالیف و تعهداتی سخن گفت که شهروندان در جهت نظم و امنیت جامعه بدان ملزم هستند و برای قوام ساختارهای یک حکومت مردم‌سالار باید آن را نصب‌العین زندگی شهروندی خود قرار دهند. بر این اساس، در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز که نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و بین مردم و نظام، پیوندی ناگسستنی وجود دارد و مردم و مسئولین به حقوق و تکالیف خود آگاه هستند و آن را در تمام ابعاد زندگی اجتماعی رعایت می‌کنند، داشتن تعهد و مسئولیت‌پذیری در ابتدا با نوعی الزام اخلاقی و ارزشی و سپس با اجبار گروهی و اجتماعی و سرانجام با التزام به موجب قانون همراه خواهد بود که توسل به هر کدام از مراحل مذکور، منوط به اجرای مرحله قبل و آمادگی اجتماعی است. بنابراین، طبق آموزه‌های اسلامی، یک شهروند در جامعه اسلامی باید نسبت به آنچه در جامعه رخ می‌دهد، اعم از مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی بلایای طبیعی، نظیر حوادث غیر مترقبه، احساس تکلیف کند و در حد توان و امکانات خویش، در رفع این‌گونه مشکلات و کاستی‌ها کوشا باشد. همچنین شهروند تکلیف‌مدار باید حفظ نظام و تأمین امنیت را از جمله تکالیف اساسی شهروندی خود بداند، آن چنان که قانون اساسی و قوانین عادی کشورمان بر این مهم تأکید نموده و خاطیان و برهم‌زنندگان نظم و امنیت را مجرم شناخته و مجازات‌های متناسب با جرمشان برای آنان پیش‌بینی کرده است.


منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، «امنیت، ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات حکومت اسلامی»، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان.
۴. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، «دانش‌نامه سیاسی»، تهران: مروارید.
۵. «اعتراضات مسالمت‌آمیز در سایه قانون»، newspaper.hamshahronline.ir.
۶. آقابخشی، علی‌اکبر؛ افشاری، مینو (۱۳۷۹)، «فرهنگ علوم سیاسی»، تهران: چاپار.
۷. انصاری، منصور (۱۳۹۴)، «مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی (ره) و تفاوت آن با حقوق شهروندی در غرب»، پژوهشگاه علوم انسانی.
۸. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۲)، «تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه بررسی‌های حقوق عمومی سال ۲، شماره ۲، تابستان.
۹. جاوید، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۱)، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز.
۱۰. «حقوق قانونی مجازات علیه اغتشاشگران»، روزنامه جوان، www.javanonline.ir.
۱۱. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۲)، «صحیفه نور»، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، «صحیفه نور»، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. ربیعی، علی (۱۳۸۳)، «مطالعات امنیت ملی»، تهران: انتشارات دفتر سیاسی و بین‌الملل.
۱۴. سراج‌زاده، حسین، «بی‌توجهی به دلایل ناراضایتی منجر به اعتراض می‌شود»، www.magiran.com article.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۴)، «جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی»، مجله حقوق خصوصی، شماره ۹، پاییز و زمستان.
۱۶. صادقی، محمدهادی (۱۳۸۱)، «جرم شکنجه در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره ۱.
۱۷. صادقی، محمدهادی (۱۳۸۰)، «ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز.
۱۸. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی»، تهران:



مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۱۹. عسکری، محمود (۱۳۸۸)، «بسیج و مقابله با شورش‌های داخلی»، فصل‌نامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
۲۰. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران».
۲۱. «قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران».
۲۲. قرائی مقدم، امان‌الله، «اعتراض مسالمت‌آمیز نتیجه‌بخش است.»، ایرنا، www.irna.ir.
۲۳. محمدی، عبدالعلی (۱۳۸۷)، «نقدپذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی»، ماه‌نامه علوم سیاسی، شماره ۴۲.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، «بحارالأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار»، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۵. موسوی، سیدهادی (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران»، اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی.
۲۶. «نظم اجتماعی، قربانی اعتراضات»، ایرنا، www.irna.ir.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی